

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیکولای بابکین - (Nikolay Bobkin)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۲ دسمبر ۲۰۱۳

در پشت صحنه توافق با ایران در ژنیو

در مذاکرات ایران با گروه «شش» توافقی به دست آمد که جامعه جهانی ۱۰ سال انتظار آن را می کشید. توافق بر مبنای پیشنهاد دو سال قبل ولادیمیر پوتین حاصل شد که با انتخاب روحانی به ریاست جمهوری ایران دوباره مطرح شد و مورد پذیرش نمایندگان امریکا و اروپا برای دور بعدی مذاکرات گردید. ارزیابی اهمیت توافق حاصله که به عنوان یک توافق تاریخی رده بندی شده، دشوار است، اما آمادگی طرفین برای سازش را «معاهده قرن» نامیدند و آن را گام مهمی برای ایجاد امنیت در جهان، مقدم بر همه، در خاورمیانه و نزدیک حساب می کنند. روند آتی حوادث را منوط به همکاری ایران در فاصله توافقات کرده اند.

در بهار سال جاری کمتر شواهدی از توافق با ایران به چشم می خورد، و احتمال همکاری دیپلماتهای امریکایی و ایرانی بر روی طرح اولیه این سند توافقی با شک و تردید همراه بود. اما بعد از انتخاب رئیس جمهور جدید ایران در ماه جون سال جاری و در سایه تأیید آیت الله خامنه ای، دولت جدید ایران بلافاصله مشی عادی سازی روابط با امریکا را در پیش گرفت. روسیه از مساعی ایران حمایت کرد، اروپائیهای عضو گروه «شش»، با احساس نگرانی از منافع اقتصادی خود، نگاه حسادت آمیز به چشم انداز بهبودی روابط امریکا- ایران داشتند، مخالفان منطقه ئی تهران نیز مشی جدید رئیس جمهور ایران، روحانی را به مثابه تهدید مستقیم امنیت خود تلقی می کردند. نه فقط عربستان سعودی، حتی اسرائیل هم سیاست رئیس جمهور امریکا مبنی بر عدم ممانعت از ایران و شروع مذاکره با آن را به شدت مورد انتقاد قرار داد. این مسأله علی رغم مخالفت جدی کنگره امریکا، بیشتر به اراده سیاسی بارک اوباما بستگی داشت.

آیا اوباما با کنگره به توافق خواهد رسید؟

بارک اوباما یکی از اولین حامیان توافق حاصله بود. او طی سخنان خود در کاخ سفید تصریح کرد: «این توافق، فقط گام اول و در عین حال، بسیار مهمی بود، که در جهت امضای توافق جامع پیرامون برنامه هسته ئی ایران برداشته شد». تردیدی نیست، که واشنگتن این بار تصمیم به پیشرفت گرفته است. هدف ایالات متحده امریکا عبارت است از برخورد دو مرحله ای به تحقیقات هسته ئی ایران. مرحله اول عبارت بود از عقد قرارداد شش ماهه، همانطور که معاون رئیس جمهور امریکا در امور امنیت ملی، سوزان رایس تأکید می کند، «متوقف ساختن توسعه

برنامه هسته‌ئی» ایران و «تعویق آن به شکل اساسی». وقفه شش ماهه، به عقیده امریکائیه‌ها، باید زمینه «راه‌های حل جامع بلند مدت» را که بتواند «نگرانیه‌های جامعه بین‌المللی را کاملاً برطرف سازد»، آماده کند. احتمال می‌رود لغو تحریم‌ها علیه ایران تا حصول این توافق، «محدود، موقتی و قابل بازگشت» باشد. تحریم‌ها که قبلاً در مذاکرات قبلی با ایران اصلی کاخ سفید خواهد بود. از دیدگاه مقامات امریکائی، رهبری ایران در سایه فشارهای اقتصادی بی‌سابقه به این کشور، برای عقد قرارداد هسته‌ئی مصمم هستند. بر این اساس، دولت اوپاما سعی می‌کند سناتورهای را به تعویق تحریم‌های تازه علیه ایران متقاعد سازد و به اعضای کنگره اطمینان می‌دهد، اجرای وعده آزادی‌سازی دارائیه‌ها به تهران، بیش از ۱۰ میلیارد دلار عاید اقتصاد ایران نخواهد کرد، که آنهم در مقایسه با خسارات وارده به ایران در اثر تحریم‌ها، رقم قابل ملاحظه‌ای برای جبران آنها تشکیل نمی‌دهد. در عین حال، پیش‌بینی می‌شود دولت اوپاما برخی تحریم‌ها را با هدف تقویت انعطاف‌پذیری دولت جدید ایران، بدون تصمیم‌کننده تضعیف نماید.

تلاش‌ها برای دور زدن کنگره قابل درک است. اکثریت سناتورهای از تسریع پروسه تصویب تحریم‌های تازه طرفداری می‌کنند. منطق آنها بسیار ساده است: تحریم‌های سنگین رهبری ایران را به مذاکره جدی پیرامون برنامه هسته‌ئی وادار ساخته، بنابراین، تشدید فشارها بر ایران فقط مواضع امریکا را در این مذاکرات تقویت می‌کند. آنها معتقدند این توافق موقتی با ایران هیچ پیامد مثبت برای امریکا نخواهد داشت و خواستار اتخاذ تدابیر شدیدتر علیه تهران هستند.

موضع قانونگذاران امریکائی با موضع دولت اسرائیل، که مذاکره کنونی امریکا با ایران را بیهوده می‌داند، انطباق دارد. اگر چه فعلاً هر دو مجلس امریکا با تعویق تحریم‌های تازه موافقت کرده اند، اما روند مبارزه برای جلب افکار عمومی امریکا علیه ایران را لابی یهودی باخته است. نظرسنجی‌ها در جامعه امریکا راجع به توافق با ایران نشان می‌دهد، که ۶۵ درصد امریکائیه‌ها توجه به انعطاف تهران در مسأله هسته‌ئی، از تضعیف تحریم‌ها علیه ایران جانبداری می‌کنند.

آیا اسرائیل متحدان جدیدی برای جایگزینی امریکا می‌جوید؟

صرفنظر از این که سیاست خارجی اسرائیل سالهای زیادی یک سویه و فقط به سمت امریکا جهت‌گیری شده بود، اسرائیل ضمن تلاش برای قطع این گفت و گوها و به تبع آن، اعلام اولتیماتوم به تهران، علناً چوب لای چرخ آماده سازی توافق موقت با ایران می‌گذاشت. چشم انداز بهبودی روابط امریکا با تهران عملاً به معنای امتناع واشنگتن از کوشش‌ها برای وادار ساختن تهران به تسلیم و در نتیجه نهائی، انصراف از طرح تغییر رژیم حاکم ایران است. به باور وزیر خارجه اسرائیل، آویگدور لیبرمان، با توجه به تیره شدن روابط با واشنگتن، زمان یافتن متحدان جدیدی که علاقه مند به همکاری با تل آویو «بر اساس نگرش جدید به اوضاع»، فرارسیده است. آیا این تلاش‌ها می‌تواند به مفهوم تغییر جهت سیاست کلی اسرائیل باشد؟

در حال حاضر شواهد کمی دال بر واقعیت چنین سناریویی وجود دارد. فعلاً رئیس دیپلوماسی اسرائیل واشنگتن را به خاطر آمادگی به خاطر حصول توافق بین امریکا و ایران بر سر برنامه هسته‌ئی این کشور مورد انتقاد قرار می‌دهد. وزیر دفاع اسرائیل، موشه یعلون نیز هنگام دیدار با همتای امریکائی خود، چاک هیگل، بدون توجه به اختلاف نظرات در باره ایران، چشم انداز توسعه همکاری نظامی را مورد تأکید قرار داد. مناسبات ویژه بین این دو وزارتخانه مسؤول تأمین امنیت در دو کشور را مقامات اسرائیل مورد تردید قرار نمی‌دهند، احتمال تجدیدنظر در اتحاد نظامی اسرائیل و امریکا در آینده نزدیک پیش‌بینی نمی‌شود. هر چند در شرایط کاهش نفوذ امریکا در منطقه خاورمیانه و عدم قاطعیت دولت اوپاما، ممکن است گفتمان غیردوستانه در مناسبات بین دو کشور تقویت شود.

صدای سرزنشها از هر دو پایتخت به گوش می رسد، اما مشکل است که اختلاف نظرات موجب تحولات جدی بشود. فقط سخن از مانورهای تاکتیکی طرفین می تواند در میان باشد. مثلاً، در آستانه آخرین دور مذاکرات با ایران در ژنیو، نخست وزیر اسرائیل، بنیامین ناتانیاهو، به منظور تحریک کاخ سفید، تلاشهای ناموفقی برای متقاعد کردن رئیس جمهور پوتین به امتناع از توافق با تهران به عمل آورد.

آیا روسیه مدعی ایفای نقش امریکا در منطقه است؟

نه فقط اسرائیل، حتی در میان متحدان عرب امریکا این عقیده تقویت می شود، که امکانات امریکا به عنوان متحد قابل اطمینان در منطقه به پایان رسیده است. پس از شکست برنامه های امریکا در عراق و افغانستان در کشورهای منطقه تردیدهای به حقی در مورد تواناییهای امریکا دایر بر پیش بینی روند حوادث منطقه خاورمیانه به وجود آمده است. هم اکنون روشن نیست، که اوضاع مصر در چه سمتی پیش خواهد رفت، در رابطه با بهبودی روابط امریکا با ایران، معلوم نیست منطقه در انتظار کدام تحولات است، عربستان سعودی چگونه رفتار خواهد کرد، ترکیه از احاله نقش درجه دوم به خود راضی خواهد بود و، مهمتر از همه، چگونه می توان از تبدیل سوریه به «افغانستان عربی» ممانعت کرد... تضعیف نفوذ امریکا عملاً در همه جهات مشاهده می شود، اما در کشورهای خاورمیانه ای ناتوان از دفاع از منافع خود، خلاء مناسبات متحدانه با بزرگترین قدرت جهانی مشهود است. در چنین شرایطی، سران کشورهای منطقه خاورمیانه علاقه مند به تجدید نظر در مناسبات خود با روسیه هستند، که اغلب به مثابه جایگزین جهتگیری ستراتیژیک یکطرفه و اشننگتن ارزیابی می شود.

روسیه می تواند نقش مهمی در منطقه خاورمیانه ایفاء نماید. دیدار اخیر وزرای روسیه از قاهره را بسیاری از کارشناسان، نقطه عطف بازگشت آن به منطقه ارزیابی می کنند. واقعاً، اگر روسیه، که دارای مناسبات بسیار نزدیک با تهران است، به توسعه همکاری با مصر تلاش کند، کاملاً محتمل است که این، آغاز دوران تازه در روابط مسکو و خاورمیانه باشد. در حال حاضر این تمایل مشهود است. به عنوان مثال، در عراق، نخست وزیر، نوری المالکی در سال گذشته بدون این که حتی یک بار از اشننگتن دیدن کرده باشد، دو دیدار از مسکو به عمل آورد. گفت و گوها، روی همکاری نظامی- فنی متمرکز شده بودند، که نشاندهنده جدیت طرفین گفت و گو می باشد. با این وجود، هیچ دلیلی در تأیید این که روسیه می خواهد امریکا را در منطقه در تنگنا قرار دهد، وجود ندارد. در عوض، می توان از تمایل کرملین برای تبدیل شدن به یک شریک برابر حقوق با کاخ سفید صحبت کرد. برجستگی این ایده را می توان در نوع برخورد به مسائل منطقه ئی مشاهده کرد. بر این مبنا، روسیه در جهت عادی سازی روابط ایران و امریکا، از جمله، برای حل مشکل برنامه هسته ئی ایران کوشش می کند. بنا بر این، اشاره به این که گویا کرملین از گفت و گوهای مقدماتی امریکا و ایران بی اطلاع بوده، چیزی بیش از وهم و خیال نیست. اتفاقاً موضع اصولی مسکو در حل مشکل هسته ئی ایران، که نه تنها برای همتایان مشخص است و در طول چند سال گذشته دچار تغییر و تحول نشده، بلکه، به مثابه نقشه راه از سوی همه اعضای «گروه شش»، از جمله امریکا پذیرفته شد.

رویکرد روسیه بر مبنای به رسمیت شناختن حق ایران برای غنی سازی اورانیوم به مثابه جزء جدائی ناپذیر حق مسلم آن طبق معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ئی به شرط نظارت الزامی بین المللی بر برنامه اتمی ایران استوار است. اگر چنین توافقی حاصل شود، در این صورت، روسیه از لغو کامل همه تحریمها علیه ایران جانبداری خواهد کرد. لازم به ذکر است، که وجود تحریمهای سازمان ملل متحد مانع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و ثبات در منطقه آسیای میانه می شود. خروج ایران از انزوای بین المللی باعث گسترش نفوذ تهران در

منطقه خاورمیانه خواهد شد و خود آن برای روسیه که دارای روابط همکاری محکم با ایران است، بسیار سودمند خواهد بود. روسیه به این دلیل هم با تحریمها علیه ایران مخالف است، که محاصره اقتصادی و بازرگانی همواره عناصر تدارک جنگ بوده اند، و امکان بستن پرونده اتمی ایران به کمک گزینه نظامی هم تا کنون از روی میز امریکا و اسرائیل برداشته نشده است.

<http://www.fondsk.ru/news/2013/11/25/za-kulisami-soglashenija-s-iranom-v-zheneve-24196.html>

۲۰ آذر - قوس ۱۳۹۲